یک خاطره، یک عکس

من آنجا بودم

حسین قائدی
hassanghaedi@yahoo.com

به مناسبت روز جهانی کودک

کودکان فراموش‌شـده، کودکانـی بی‌گناه از مسجد سلیمان شهر فراموش‌شده، کودکانی که پدران‌شـان در رفاه و آسایش کامل بودند اکنون ایـن گونه در لابه‌لای لوله‌های پوسـیده خود را سرگرم می‌کنند. کودکان شهری که ۱۴ درصد از برق کشور را تامین می‌کند ولی خودش با کمبود برق مواجه است و برخی خانه‌هایش فاقد انشعاب برق است؛ شهری که صنایع نفت و گازش باعث اشتغال میلیون‌ها نفر شده است ولی جوانانش از بیکاری رنج می‌کشـند. کودکانی که گاز و نفت زیر خانه‌هایشان فوران می‌کند ولی همچنان برای پر کردن کپسـول‌های گازشان باید ساعت‌ها در صف انتظار بکشند.

گفتاری درباره وضعیت دانشگاه‌های عکاسی

خشت اول چون نهاد معمار کج تا کجاها می‌رود دیوار کج؟

فرهاد فخریان*

تا آنجایی که من خبر دارم قبل از انقلاب عکاسی در دانشـگاه‌ها به جز به عنوان درسـی کـه در کنار درس‌های دیگر رشـته‌های هنری ارائه می‌شده، چیز دیگری نبوده است و اینکه به عنوان یک رشته مجزا در دانشـگاه تدریس شود، مربوط به بعد از انقلاب و ماجرای انقلاب فرهنگی بوده است. از انگیزه و چرایی بـه وجود آمدن این رشـته اطلاع دقیقی در دسـت نیست اما شاید فضای انقلاب و تاثیراتی که عکس در روند آن داشته، در تحقق این امر بی‌تاثیر نبوده باشد. البته به نظر می‌رسد فضای جنگ هم در این موضوع تاثیرگذار بوده است.

اینکه دانشـگاه و آکادمیک شـدن عکاسـی چه میزان در فراگیری و موفقیت این رشـته در کشـور موثر بوده، نیاز به یک تحقیق میدانی دقیق دارد اما با توجه به نتایج به دسـت آمده و فارغ‌التحصیلانی که می‌شناسیم، می‌توان گفت بی‌تاثیر هم نبوده است.

این در حالی است که نمی‌توان گفت در رشته‌های تجسـمی برای موفق شـدن و موثر بودن تحصیلات آکادمیک ضروری است و در واقع به شکل تجربی هم می‌توان در این رشته‌ها وارد و موفق شد.

نکته‌ای که کسی را که تحصیلات آکادمیک دارد از دیگران متمایز می‌کند، این است که فارغ‌التحصیلان در آن رشـته خاص اصلاحات دیگری کسب کرده‌اند که می‌توان نام کارشناس و صاحب‌نظر را بر وی نهاد و البته این ویژگی در کسانی که به شکل تجربی در یک رشـته هنری متخصص شده‌اند، یافت نمی‌شود امـا به هر حال برای تبدیل شـدن به صاحب‌نظر در رشته‌های هنری نیاز به اطلاعاتی است، تخصصی که این اطلاعات طبیعتاً در فضای آکادمیک یافت می‌شود.

ذکر این نکته ضروری اسـت که تمام کسانی که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های عکاسی هستند، صاحب‌نظر نخواهند شد ولی هدف از تاسیس دانشگاه‌های هنری تربیت صاحب‌نظر است.

به طور طبیعی هر رشته‌ای که در دانشگاه‌ها ایجاد می‌شود، بر اساس کلیات برنامه‌ریزی شده برای همان جامعه اسـت که ایجاد می‌شود و به نظر می‌رسد در کشورهایی که به گونه سیستماتیک‌تری برنامه‌ریزی می‌کنند، ورودی‌ها و خروجی‌های دانشـگاه‌ها با هم تناسبی دارند و بر حسب نیازی که اجتماع و در اشل گسترده‌تر جهان دارد، برنامه‌ریزی می‌شود.

در کشور ما به‌رغم اینکه تصور می‌شود، خروجی رشـته عکاسـی بیش از نیـاز جامعه اسـت در واقع فارغ‌التحصیل‌های این رشته متناسب با نیاز جامعه و شاید کمتر هم هستند اما نکته اساسی این است که کارایی که برای این خروجی‌ها در نظر گرفته شـده، کمی با واقعیت متفاوت است.

در کشـور مـا نیاز به داشـتن مدرک متاسـفانه بیشتر دانشجوها را به سمت دانشگاه سوق می‌دهد و تجربه ۲۵ سـاله تدریس مرا به این باور رسانده است که در بسـیاری از زمینه‌ها دانشـجوها بدون داشتن هدف خاصی و با تصور نادرسـت در رشته انتخابی یا ناآگاهی وارد دانشگاه می‌شوند. عکاسی به گونه‌ای که در فرهنگ غربی تاثیرگذار و شـناخته شده است، در فرهنگ ما شناخته شده نیست. واقعیت این است که فرهنگ کشور ما بیشتر کلامی است، شاید بتوان در ۸۰ درصد خانه‌های ایرانی کتاب حافظ را یافت اما آیا در همین خانه‌ها دوربین وجود دارد؟ و در خانه‌هایی هم که دوربین وجود داشته باشد، آن ارتباطی که با شعر برقرار می‌شود و کاربردی که شعر دارد، برای دوربین هم وجود دارد؟ بیشتر مردم عکاسی را از طریق وجوه کاربردی آن مانند سند هویتی بودن (عکس ۳ در ۴) یا سـندی برای ثبت خاطرات (عکاسی مجالس) و... می‌شناسـند که اینها هم به صورت عام توسـط یک نفر انجام می‌شـده اسـت و در تصور عامه، عکاس یا چنین تعریفی داشـته یا کسـی بوده که دوربینی به گردن آویخته و در وقایع عکس برای مطبوعات تهیه می‌کرده است.

این نوع نگاه شأنی برای کسی که به حرفه عکاسی مشـغول اسـت، آورد که در مقایسه با مثلاً مهندس عمران از ارزش کمتری برخوردار بوده است و این هم از آسیب‌های فرهنگی است که در فرهنگ ما نهادینه شده و بر اساس این نظام ارزش‌گذاری است که دائماً در حال مقایسه هستیم و مسائل را درجه‌بندی می‌کنیم مثلاً تصور می‌کنیم پزشک از ادیب بهتر است و ادیب از عکاس و بر همین اساس داوطلب برای تحصیل در این رشته‌ها به تناسب همین ارزش‌گذاری متفاوت است و حتی در سیستم دانشگاهی نیز رتبه‌بندی‌ها را بر اساس همین تصور انجام می‌دهند. یا خانواده‌ای که فرزند او در رشته مهندسی تحصیل می‌کند، به فرزندش بیش از خانواده‌ای که فرزندش در هنر تحصیل می‌کند، مفتخر است. این در حالی است که هیچ کدام از این رشته‌ها بر دیگری ارجحیتی ندارد و نیاز به همه این تخصص‌ها در جامعه وجود دارد. حتی فارغ‌التحصیل‌های رشته عکاسی گمان‌شان این است که اگر پس از چهار سال تحصیل در یک مغازه عکاسی، عکس پرسنلی بگیرند، شأن آنها رعایت نشده است.

برنامه آموزشـی در دانشگاه‌ها هم برنامه مناسبی نیست. چه آن ۲۵ سال پیش که تدوین شده بود، به تناسب روز نبود و چه اکنون که پس از ۲۵ سال هنوز هم تغییری در آن رخ نداده اسـت. سیستم آموزشی نگاهی بسـیار سـطحی و کاربردی به عکاسی دارد و تدریس آن را در شش هفت آیتم کلی خلاصه کرده و به دانشـجو این تصور غلط که عکاسـی در همین چند آیتم تدریسـی در دانشـگاه خلاصه می‌شود را منتقل می‌کند. اسـتادان این رشـته نیز که از جهان دیگر یا از کشـور دیگـر نیامده‌اند و محصول همین سیسـتم آموزشی هستند. آن اساتیدی که خود را به دانش روز مسلح کرده‌اند طبیعتاً می‌توانند به دانشجو کمک و تصور بهتری بدهد اما آن دسـته از اساتیدی که متاسـفانه نتوانسته‌اند خود را به‌روزرسانی کنند، بعضاً با انتقال غلط مفاهیم به دانشـجو باعث توسعه ناآگاهـی می‌شـوند و می‌توان به عنـوان یک پروژه تحقیقاتی دانشجویان دو استاد را با هم مقایسه کرد و دریافت که این دانشجویان در شرایط آموزشی یکسان و با امکانات برابر اما با اسـاتید متفاوت، دارای تفاوت معناداری هستند. حتی در بسیاری از موارد اساتید در عکاسی سعی می‌کنند دانشجو را به همان چیزی که خود هسـتند، تبدیل کنند و این کپی استاد با فرض اینکه نسخه اصل چیز درخشانی بوده باشد هیچ وقت مانند نسخه اصل نیست و درست این است که استاد با شـناخت استعدادهای دانشجو او را در مسیری که متعلق به خود اوست، هدایت کند نه مسیری که استاد رفته اسـت. اگر این اتفاق واقع شود هنرجو کم‌کم با پیدا کردن راه خود شخصیت مستقلی خواهد یافت و به عنوان صاحب نظر در رشته خود مطرح خواهد شد اما تا زمانی که سیطره استاد بر سر دانشجو باشد، وی نمی‌تواند خود را به عنوان شخصیتی مستقل مطرح کند، مشکل دیگری نیز هست. بعضی از اساتید برای اینکه همواره از دانشجو سر و گردنی بالاتر باشند، همه مطلب را منتقل نمی‌کنند. خاطرم هست زمانی که قرار بود به عنوان عضو هیات علمی اسـتخدام شوم گروه سه نفره‌ای از من سوالاتی کرد که خیلی هم پیچیده نبـود و واقعیت این اسـت که غیرتخصصی بودن آن هیات انتخاب شاید باعث شود در انتخاب هیات علمی دقت نظر لازم اعمال نشود و سطح هیات علمی کیفیت لازم را نداشته باشد و جریان سیستماتیک درستی این اسـاتید را ارزیابی نمی‌کند که چه کسـی با توجه به سیستم آموزشی می‌تواند استاد مناسبی باشد. کسی کـه اطلاعات زیادی دارد لزوماً نمی‌تواند معلم خوبی هم باشد. معلم ممکن است دانش گسترده‌ای نداشته باشـد اما بتواند همان را بسـیار خوب منتقل کند و موفق شـود با روحیات مختلف خود را تطبیق دهد و درک متقابلی از دانشـجو پیدا کند. برای اصلاح این کاستی‌ها باید بپذیریم که سنگ بنای اولیه بسیار کج گذاشته شده است و امکاناتی که در نظر گرفته شده بود و نیروی انسانی نامتناسب نیز مزید بر علت بوده اسـت. باید بپذیریم وقتی دانشجو در فضای آموزشی قرار می‌گیرد و دانشگاه نتواند خواسته‌های او را برآورده کند و در حد انتظار او ظاهر شود، انگیزه‌های دانشجو سرکوب می‌شود. باید سیستم آموزشی دانشگاه‌های عکاسی با سیستم روز دنیا هماهنگ شود و در موارد تخصصـی باید از متخصصـان و تجربیـات موجود اسـتفاده مناسب کرد. در بعضی از دانشگاه‌ها بیش از ۸۰ سـال است که عکاسی تدریس می‌شود و باید با این دانشگاه‌ها مکاتبه کرد.

برای اینکه دانشـجو بتواند بـا گرایش تخصصی خاصی از دانشـگاه فارغ‌التحصیل شود، باید برای آن سیستم آموزشی مشخصی وجود داشته باشد نه اینکه همه دانشجویان با همه علایق و سلایق در یک سیستم آموزشی تحصیل کنند. این موضوع باعث می‌شود هم برنامه آموزشی مناسب و مدونی ایجاد شود و هم کادر آموزشی می‌دانند که باید دانشجو را به چه صورت و به چه سـمتی هدایت کنند. و بهتر اسـت از اساتید آموزش‌دیـده در همان سیسـتم آموزشـی که مورد الگوست برای موفق بودن استفاده کرد و فقط صرف داشـتن تجربه حتی ۳۰ تا ۴۰ سال برای یک استاد ملاک موفق بودن نیست.

مورد دیگر اینکه باید اطلاعات اساتید و تجربیات آنها نیز به‌روزرسانی شود و دانشگاه باید با حمایت از اساتید برای از بین بردن این خلاء اطلاعاتی همکاری کند. شخصاً مدتی است که برای تدریس به دانشگاه نمی‌روم. دلیل این است که وقتی خواستم دانشگاه مرا برای تحصیل در دوره دکترا بورس کند، دانشگاه این موضـوع را نپذیرفت و حتی از اینکه به من مرخصی بدهد که من با همین حقوق و هزینه شـخصی ادامه تحصیـل دهم باز هم نپذیرفتند و برای تحصیل باید مرخصی بدون حقوق می‌گرفتم.

همچنین بایـد این نگاه ارزش‌گـذاری که چون پزشکی از عکاسـی مهم‌تر است، باید اعتبار کمتری به عکاسـی داد نیز اصلاح شـود و باید در این نظام ارزش‌گذاری تحولی اساسی ایجاد کرد. این نگاه باید اصلاح شود که وقتی می‌توان با یک مثلاً فوق‌لیسانس حتی غیرمرتبط هیات علمی درسـت کرد و دهان‌ها را بسـت، چرا حالا مشکل برای خودمان ایجاد کنیم چون این نگاه در اساتید هم تسری پیدا می‌کند و وقتی اساتید می‌بینند توقعی بیش از این از آنها نیست برای اصلاح و پیشرفت قدمی برنخواهند داشت و فرضاً اگر همزمانی در مواجهه با ارزشـیابی علمی قرار گیرند با گفتن «یک جوری سـر و تهـش را هم می‌آوریم» از کنار مشکل عبور می‌کنند و متاسفانه این هم آوردن سال‌هاست در حال ادامه پیدا کردن است. باید اشاره کرد که دانشجو هم چون با چنین فضای فرهنگی رشد یافته است، آن بازده مورد نظر را ندارد. ولی دانشجویانی که روحیات و شخصیت تربیتی آنها طوری بوده است که در هر شرایطی نگاه رو به تعالی داشته باشند، موفق نیز خواهند شد زیرا به اینکه استاد یا دانشگاه خوب یا بد است، توجه چندانی ندارند و نهایت تلاش و کوشش خود را به کار می‌بندد، هرچند اگر در شرایط بهتری بودند، رشـد آنها نیز چندبرابر بود اما با شرایط موجود نیز از هم‌قطاران خود سر و گردنی بالاتر هستند. من پیشنهاد دارم که این دوستان دانشجو به مطالعه و گفت‌وگو درباره عکاسی بپردازند و این تصور که عکاسی عبارت است از فشـار دادن دکمه‌ای بر روی دوربین را کنار بگذارند و بدانند که همه عکاسی به صورت عملی نیست و البته همه عکاسی هم در دانشگاه نیست. دانشگاه در بهترین شرایط می‌تواند فرصتی را برای مطالعه ایجاد کند و با امکاناتی که دارد می‌تواند هر دانشـجویی را به مسیر درست راهنمایی کند.

***عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری**

پیشنهاد

شانزدهمین سالگرد خانه عکاسان برگزار می‌شود

رسـول اولیازاده مدیر خانه عکاسان ایران از برگزاری شانزدهمین سالگرد این مجموعه با رویکردی جدید در برگزاری نمایشگاه این مراسم خبر داد. به گزارش روابط عمومی خانه عکاسان ایران، رسول اولیازاده در این نشست درباره مراسم شانزدهمین سالگرد خانه عکاسان گفت: شانزدهمین سالگرد خانه عکاسان امسال با حال و هوا و نگرشی نو برپا می‌شود. از زمانی که من به خانه عکاسان آمدم، هر سال در سالگرد خانه عکاسان، نمایشگاه عکسی با عنوان «صد عکس صد عکاس» برگزار شد که هر سال به موضوعی خاص می‌پرداخت. سال قبل این نمایشگاه «شهر زیبای من» نام داشـت و سال پیش از آن «عکس از عکاسان» نامیده شد. وی افزود: امسال با حضور آقای رحیمیان در خانه عکاسان و قبول مسوولیت نمایشگاه‌های خانه عکاسان از سوی ایشان، قرار شد نمایشگاه امسال را حول محور فرم در عکاسی برگزار کنیم. مدیر خانه عکاسان درباره جزییات این نمایشگاه نیز گفت: نمایشگاه «در جست‌وجوی فرم» از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست که بخش مسابقه «در جست‌وجوی فرم» اسـت، عکس‌های برگزیده آن در نمایشگاه وجود دارد. بخش دوم این مراسم، بخش جانبی است که گنجینه نام دارد و در آن آثاری از استادان بزرگ عکاسی کشور به نمایش درمی‌آید. وی ادامه داد: کار دیگری که دو سـال اسـت جزء برنامه‌های سالگرد خانه عکاسان شده، تجلیل از بزرگان عکاسی کشور است که در سال‌های قبل به تجلیل از آقایان اصغر بیچاره، دکتر شفائیه و فخرالدین فخرالدینی اختصاص داشت. امسال نیز این مراسم به جای خود باقی است و در آن از علی رئیس‌شقاقی پیشکسوت عرصه عکاسی صنعتی و تبلیغاتی تجلیل خواهد شد. وی همچنین یادآور شد: نمایشگاه‌هایی چون «ما می‌توانیـم» در امریکای جنوبی، «بانو» در اندونزی، «بانوی امروز» در بلاروس و «انتفاضه دسـتاورد مقاومـت ۳۳ روزه» در لبنان با حضور اساتیدی چون محمد خادمیان، مرضیه خرسند، دکتر ستاری و جمعی از دوستان دیگر برگزار شد. نمایشگاه «در جست‌وجوی فرم» از ۱۸ مهر تا ۵ آبان در گالری‌های شماره یک و دو خانه عکاسان برپا می‌شود.

آموزش

جبران میزان نوردهی؛ EV compensation

جبران EV (Exposure Value) یک راه سـریع برای پرهیز از ایراداتی مانند کدر بودن تصویر ثبت‌شده در نور زیاد است. علت اینکه لازم است در عکاسی در نور زیاد از این تنظیم استفاده کنیم، این است که دوربین به طور اتوماتیک یک میانگین برای نوردهی محاسبه می‌کند. این میانگین اگرچه اغلب اوقات درست است، ولی کمی در مقایسه با آنچه چشم ما دریافت می‌کند و آن را به عنوان یک تصویر واقعی می‌شناسد، تفاوت دارد. اعداد EV باید از میزان نور الگو گرفته شود، نه اینکه نقطه مقابل آن باشد. به عنوان مثال در یک محیط پرنور ممکن است با هر دو میزان اضافه کردن یا کاهش دادن EV به میزان ۲ گام (۲+ یا ۲-) به نتایجی بهتر برسید، ولی اغلب با افزایش EV است که قسمت‌های تیره تصویر با جزییات بهتر دیده می‌شوند. برعکس در محیط کم‌نور که نمی‌خواهید فلاش بزنید، ممکن است با EV-2 به نتایج بهتری برسید. این مساله شاید به نظر کمی متضاد با آنچه تصور داشتید برسد، ولی واقعیت این است که عملاً جبران EV این گونه کار می‌کند. به خاطر داشته باشید که تنظیم EV را در حالتی که منظره شما پرنور است یا یک موضوع پرنور در بخشی از کادر شماست، افزایش دهید. این موضوع مخصوصاً هنگامی که شما پس‌زمینه پرنوری دارید یا چیزی مانند لامپ یا حتی خورشید در قسمتی از کادر شما دیده می‌شود، به شما کمک می‌کند تا قسمت‌های کم و بیش کم‌نورتر با جزییات بیشتری ثبت شوند. به تصویری که در ال‌سی‌دی می‌بینید، متکی نباشید. به عبارت دیگر عکس‌هایتان را پاک نکنید و دوباره عکاسی کنید. اگر مطمئن نیستید که چگونه با تنظیم جبران EV در یک محیط پیش بروید، هیچ نگران نباشـید. با هر دو حالت (افزایش و کاهش) عکاسی کنید و بهتر است همیشه حافظه کافی به همراه داشته باشید تا بتوانید از یک موضوع تعداد عکس‌های بیشتری بگیرید. عکاسی در روزهای برفی و همچنین آفتابی شدید، همواره برای عکاسان مشکلاتی را پیش می‌آورد. این در اصل به خاطر کنتراست‌های شدید است. وقتی شما یک پس‌زمینه خیلی روشن دارید، دوربین شما دچار اشتباه در محاسبه میزان نور لازم می‌شود.

نوتو بلاگ

نفیسه مطلق

گفت‌وگو با آرتور تنگ عکاس مالزیایی

ماهیگیر صبوری هستم

چند هفته پیش از آمدن به مالزی، وب‌سـایت‌های عکس و عکاسـی حرفه‌ای در این کشور را مطالعه می‌کردم که به عکس‌های چشم‌نواز و زیبای «آتور تِنگ» رسیدم؛ مجموعه عکس‌هایی از زندگی روزمره، مناظر طبیعی مالزی و کشورهای منطقه آسیای جنوب شرقی با نورها و رنگ‌هایی که گاهی از نقاشی قابل تمییز نبود. عکس‌های آرتور انگیزه مضاعفی شد تا چمدان‌هایم را زودتر ببندم و برای رفتن به یک سرزمین کاملاً متفاوت آماده شوم. در این سال‌ها بارها او را ملاقات کرده‌ام و از مصاحبت و همراهی‌اش در چند سفر عکاسی لذت برده‌ام؛ سفرهایی که نور خورشید و حرکت ابر تعیین‌کننده‌تر از برنامه‌ریزی‌های ما بود. روزی به او گفتم زمانی که به ایران برگردم بهترین سوغات را از وی به یادگار خواهم داشت و آن لذت دوباره دیدن رنگ و نور در زندگی است. در کارنامه آرتور تنگ، عکاس ۵۷ساله مالزیایی، تعداد زیادی جایزه داخلی و بین‌المللی و انتشار چند جلد کتاب عکاسی فردی و گروهی به چشم می‌خورد. او تا به‌حال در ۱۱ نمایشگاه عکس فردی و ۲۴ نمایشگاه گروهی شرکت کرده و آثار زیادی از او در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

– –

– اولین دوربین حرفه‌ای را چه زمانی خریداری کردی؟

در دوره دبیرستان. سال ۱۹۸۱ اولین دوربین‌ام را که یک نیکون fm بود خریدم و عکاسی را به عنوان جدی‌ترین سرگرمی زندگی‌ام آغاز کردم؛ به این معنی که برای عکاسی کردن وقت گذاشتم و روزها و ساعت‌هایی را فقط برای عکس گرفتن صرف کردم.

– عکاسی طبیعت از همان ابتدا برایت جذابیت داشت؟

بله، چرا که من در آن دوره به صورت حرفه‌ای نقاشی و طراحی می‌کردم و زمینه اصلی کارهایم طبیعت و منظره بود.

– شما که کار نقاشی انجام می‌دادی، چطور شد به هنر عکاسی رو آوردی، چه چیزی توجه و علاقه شما را به عکاسی جلب کرد؟

البته هنوز هم از علاقه من به نقاشی کاسته نشده اما تصور می‌کنم در ثبت تصاویر ناب طبیعت، عکاس نیازمند صبر و شکیبایی بیشتری است و این درست همان چیزی است که من را به عکاسی علاقه‌مند کرد.

– یعنی شما از انتظار کشیدن در عکاسی لذت می‌بری؟

بله، مثل ماهیگیری که سـاعت‌ها منتظر می‌نشـیند تا یک ماهی صید کند در حالی‌که می‌تواند با صرف وقت و هزینه کمتر ماهی را از بازار خریداری کند. من در این سال‌ها عکس‌های خوبی به خاطر صبوری‌ام در عکاسی گرفته‌ام. خاطرم هست یک‌بار ماموریتی از سوی شرکت نفتی پتروناس به من داده شد تا تصاویر سیاه و سفیدی از طبیعت ساحلی مالزی ثبت کنم.

من سـرزمین مادری‌ام – سـواحل استان ترنگانو – را برای عکاسی انتخاب کردم. با یک تاکسی قرار گذاشتم تا ساعت ۵:۳۰ صبح من را به ساحلی ببرد که یک ساعت و نیم تا محل سکونتم فاصله داشت. به محض رسیدن باران شدیدی شروع شد و برنامه‌ها را نقش بر آب کرد اما من بازنگشتم و همان‌جا منتظر ماندم. بعد از دو ساعت بارش باران قطع شد و ناگهان ابر زیبایی بر فراز آسمان ظاهر شد؛ ابر دودمانندی که گویی از زمین به آسمان حرکت می‌کرد. با تابش یک اشعه باریک آفتاب، چشم‌انداز زیبایی خلق شد. آن تصویر ورای تصور و انتظار من بود و اکنون در مجموعه آثار هنری گالری پتروناس قرار دارد. فکر می‌کنم آن عکس پاداش صبری بود که برای آن عکس صرف کردم.

– مدت‌هاست کنجکاوم بدانم چرا اینقدر به جزیره بالی (در اندونزی) سفر می‌کنی؟ آنجا به دنبال چه تصاویری هستی؟

(با خنده) من تا به حال ۲۸ بار به بالی سفر کرده‌ام و همیشه در اولین فرصت ممکن یا اعلام پروازهای ارزان‌قیمت به آنجا می‌روم.

تا به حال سه نمایشگاه از عکس‌های بالی داشته‌ام اما راستش عکاسی فقط بهانه است تا من خودم را به بالی برسانم. چطور توضیح بدهم... بالی برای من یک محیط روحانی است که با هنر و زیبایی احاطه شده. هرچند من یک مسیحی هستم اما در بالی به خاطر تعداد زیاد معابد و مجسمه‌های مقدس، احساس می‌کنم به خدا نزدیک‌تر می‌شوم – در واقع یک حس درونی باعث می‌شود من از آفتاب، علف، باد و باران بالی لذت ببرم.

– دوست داری روزی در بالی زندگی کنی؟

نه، زندگی در مالزی را ترجیح می‌دهم.

– چرا شما عکاسی را به‌عنوان حرفه‌ای که منبع درآمد اصلی باشد انتخاب نکردی و سال‌ها به عنوان طراح گرافیک مشغول بودی؟

بله من تا سال ۲۰۰۸ که بازنشسته شدم به عنوان طراح گرافیک در شرکت بزرگی مشغول بودم اما بسیاری از هنرمندان و مردم مالزی من را به عنوان عکاس می‌شناسند. شاید دلیل اصلی، عدم ضمانت مالی برای شغل عکاسی طبیعت و هنری بود. در عین حال فکر می‌کنم به عنوان یک عکاس آزاد، امکان بیشـتری دارم تا روی موضوعات مورد علاقه‌ام کار کنم و پروژه‌های مرتبط با نوع عکاسی خودم را انتخاب کنم.

– وضعیت عکاسی در مالزی را به طور کلی چطور ارزیابی می‌کنی؟

به نظر من عکاسان مالزی به‌طور کلی در دو گروه دسته‌بندی می‌شوند. گروه اول کسانی هستند که به عکاسی کلیشه‌ای و در قالب چارچوب‌های انعطاف‌ناپذیر نگاه می‌کنند. این تفکر سنتی ممکن است در یک عکاس جوان هم وجود داشته باشد. آنها تنها زمانی دوربین خود را برای عکاسی در دست می‌گیرند که سوژه و حتی نور و رنگ چیده و آماده باشد و فقط با تکیه بر تکنیک فنی دوربین تصاویر را ثبت می‌کنند.

گروه دوم عکاسـانی هستند که مستقل فکر و عمل می‌کنند. آنها در زمینه‌های مختلف عکاسی فعالیت دارند و متاسفانه تعدادشان نسبت به گروه اول کم است. اما فکر می‌کنم نسل جدید عکاسان در مالزی به علت ارتباط بیشتر با دنیا و جریان‌های بین‌المللی این حرفه، آینده متفاوتی را برای جامعه مالزی به وجود آورند؛ اما گاهی آنها از حضور راهنماهای خوب در این مسـیر بی‌بهره‌اند. من خودم را در گروه دوم ارزیابی می‌کنم چراکه دوسـت دارم آنچه به طور طبیعی در برابر چشمم قرار می‌گیرد را با دانش بصری خودم درآمیزم و یک تصویر زیبا خلق کنم.

– ممکن است توضیح دهی که درست چه زمانی از ثبت یک عکس احساس لذت و رضایت می‌کنی؟

بله من قبلاً به این موضوع فکر کرده‌ام. زمانی که در طبیعت قدم می‌زنم یا به یک منظره نگاه می‌کنم، گاهی در ذهنم شرایط خاصی را تصویرسازی می‌کنم. مثلاً می‌گویم چقدر عالی می‌شـد اگر همین الان یک پرنده یا یک انسـان از اینجا رد می‌شـد یا نور به شکل دیگری می‌تابید و... بعضی اوقات این اتفاق رخ می‌دهد. من همیشه از ثبت آن تصاویر لذت بیشتری می‌برم چون احساس می‌کنم تنها بخشی از کار را طبیعت انجام داده و بقیه آن را ذهن من از قبل ساخته و پرداخته است.

– آیا تا به‌حال هنگام عکاسی از مردم در خیابان با مشکل روبه‌رو شده‌ای؟

بله اما بیشتر با هم‌نژادهای خودم در شهرهای بزرگ. به نظر من چینی‌ها نسبت به دوربین کمی حساس و شاید خجول هستند. در روستاها و شهرهای کوچک نه‌تنها به مشکلی برخورد نکرده‌ام، که مردم بسیار هم استقبال می‌کنند. من البته گاهی یک حقه کلاسیک را به کار می‌بندم؛ اینکه به سبک توریست‌ها لباس بپوشم و رفتار کنم. گاهی هم اگر سوژه‌ام زبان چینی را با گویش «کانتونی» صحبت کند من با او با گویش «ماندارین» حرف می‌زنم و برعکس. در این مواقع آنها رفتار مهربان‌تری دارند.

– کمی از پروژه‌های شاخص عکاسی که تا به‌حال انجام داده‌ای برایمان بگو.

پروژه‌هـای زیادی انجام داده‌ام. یکی از پروژه‌هایم با عنوان «پل‌های پوتراجایا» چند ماه پیش از پایان دوره نخست‌وزیری ماهاتیر محمد انجام و به صورت کتاب منتشر شد. همان طور که می‌دانید شهر پوتراجایا به دستور و نظارت شخص ماهاتیر ساخته شده و دارای هشت پل زیبا با طراحی‌های ویژه است. یکی دیگر از پروژه‌ها ایستگاه‌ها و مسیرهای قدیمی راه‌آهن مالزی بود که در زمان انگلیسی‌ها ساخته شده است. این پروژه با حمایت سازمان حفظ میراث فرهنگی انجام شد. اما تصور می‌کنم چالش‌برانگیزترین پروژه‌ای که تا به‌حال به من محول شده، ماموریتی است که هم‌اکنون در حال انجام آن هستم. وزارت جهانگردی مالزی از من خواسته مناظر طبیعی و توریستی تمام استان‌های مالزی را عکاسی کنم. این پروژه سه ماه به طول می‌انجامد. تاکنون استان‌های شمال و شمال‌غربی را به اتمام رسانده‌ام و بعد از استراحت یک‌هفته‌ای راهی شرق مالزی می‌شوم.

گالری

نام نمایشگاه	عکاس	نام گالری	ساعت	اختتامیه
دختران سرزمین من	ساسان مویدی	عکسخانه شهر	۹ تا ۱۷	۲۶ مهر
کتاب عالی	احمد عالی	ماه مهر	۱۶ تا ۲۰	۱۹ مهر
کودکان جنگ و ...	رضا وهمی	خانه هنرمندان	۱۵ الی ۱۹	۱۹ مهر
من‌های من	هوفر حقیقی	کافه عکس	۱۵ الی ۲۱	----
جهان واقعی روزمره	رحمان مجرد	نگارخانه سوره	۹ الی ۱۹	۲۷ مهر
عکس‌های قاجاری	مجموعه کاخ گلستان	موزه ملی ملک	۱۰ الی ۱۵	۲۷ مهر
سیل پاکستان	مرتضی نیکوبذل	باغ فردوس	۱۰ الی ۲۲	۳۰ مهر